

# اقتصاد سیاسی نابرابری در ایران



یکی از هدف‌های اصلی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران عدالت اجتماعی بود، اما امروز پس از گذشت حدود چهار دهه از انقلاب، نه تنها گام موثری در جهت عدالت اجتماعی برداشته نشده بلکه به‌طور مشخص وضعیت توزیع درآمد به سطوح نابرابر بسیار خطرناک و نگران‌کننده‌ای افزایش پیدا کرده است - ضریب جینی حدود ۰.۴ است که تقریباً در سال‌های گذشته در همین حد ثابت مانده و چشم‌انداز آن وخیم‌تر به‌نظر می‌رسد.

پرویز صدقات، پژوهشگر اقتصاد سیاسی، در چهارمین همایش پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی در ایران توضیح داد که چه عواملی باعث عدم تحقق هدف اعلام‌شده جنبش‌های مردمی سال ۵۷ بوده است. او عوامل مؤثر بر این نابرابری در آمدی را ابتدا در سطوح نهادها و ساختارها بررسی می‌کند و در ادامه به سطوح مرتبط با سیاست‌ها، برنامه‌ها و مجموعه راهکارهایی که مدیران اجرایی و قضایی و قانونی در سه دهه گذشته دنبال کرده‌اند، می‌پردازد.

\*\*\*

صدقات، با اشاره به اینکه بحث از نهادها و ساختارها شروع می‌کنم، توضیح داد: نکته‌ای کلیدی که در اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی وجود داشته و نطفه آن در همان دهه بحرانی ابتدای انقلاب بسته شده و آثارش تا دهه‌های بعد و تا امروز ادامه پیدا کرده، تحکیم یافته و قدرتمندتر شده، شکل‌گیری یک نظام دوگانه در اقتصاد سیاسی ایران بوده است. اقتصاد سیاسی ایران اساساً مبتنی بر معیارهای دوگانه است. آن تفکر ایدئولوژیک که اعتقاد به شهروند درجه یک و شهروند درجه دو و اعتقاد به «خودی» و «غیرخودی» دارد، وقتی وارد عرصه اقتصادی شد میدان بازی را برای بازیگران اقتصادی فراهم کرد که در این میدان معیارهای دوگانه حاکم بود. افرادی که بعد از بحران‌های سال‌های نخست انقلاب بر مبنای مجموعه عواملی مثل رأیت وفاداری به نظام جدید عمدتاً در نهادهای پسانقلابی که حجم عظیمی از ثروت‌ها را در اختیار داشتند به سمت‌های مدیریتی رسیدند و بسیاری قوانین و مقررات جاری حاکم بر فعالیت اقتصادی سایر بازیگران اعم از بازیگر خصوصی یا بازیگر دولتی معاف شدند.

او یادآوری کرد: بنابراین با یک پدیده نهادی جدید روبرو شدیم که نه تابع مقررات دولتی بود و نه تابع مقررات انتظامی‌بخش خصوصی و حدود اختیارات

بسیار وسیع و وظایف مدون و قابل نظارت خیلی محدود داشت. مجموعه بنیادهایی که بعد از انقلاب شکل گرفت و مجموعه نهادهای قدرتمند اقتصادی که در چهار دهه اخیر شاهد فعالیت‌شان بودیم و به خصوص در یک دهه اخیر بسیار قدرتمندتر شدند فضای دوگانه‌ای را بر اقتصاد سیاسی ایران حاکم کردند.

پژوهشگر اقتصاد سیاسی، با یادآوری قانونی که در سال ۱۳۹۴ در مجلس تصویب شد و به تأیید شورای نگهبان رسید تحت‌نوع «قانون اصلاح مواد یکم، ششم و هفتم قانون اجرای سیاست‌های کلی اجرای اصل ۴۴» گفت: بر اساس این قانون کلیه نهادهایی از این دست موظف به ارائه صورت‌های مالی خود در سایت کدال سازمان بورس و اوراق بهادار شدند. اما تقریباً از پیش از ۱۹۰۰ واحد اقتصادی که مشمول این قانون هستند، به‌جز معدودی انگشت‌شمار، صورت‌های مالی خود را ارائه نکردند. بحث اینجا حتی بر مبنای مالیات یا پاسخ‌دهی نیست، مسئله در اینجا جابجایی اطلاعات رسانی است. برای همین ما از این مجموعه نهادهای که این روزها بیشتر عنوان «صورتی» برای‌شان به کار می‌رود اما بهتر است بگوییم فرادولتی، چرا که قدرت و اختیاراتی فراتر از دولت دارند، هیچ‌گونه تصویری نداریم که چه حجمی از اقتصاد ایران را در دست دارند و چه پیامدهایی بر وضعیت توزیع درآمد خود دارند.

او ادامه داد: با توجه به اینکه از بسیاری قوانین صادر و قوانین مالیاتی و... مستثنا هستند و با توجه به وضعیت شبه‌انحصاری‌شان در قالب «کانگرو میریا» که می‌توانند سود و فعالیت خود را از طریق قیمت‌گذاری‌های انتقالی در معاملات دورنی پنهان کنند، بدین ترتیب آن چیزی که عاید خزانه دولت می‌شود - با فرض بر این که بخشی از منابع

دولتی صرف هزینه‌های رفاهی و هزینه‌های بهبود توزیع درآمد می‌شود - به مراتب کمتر می‌شود. بنابراین فعالیت این فرادولتی‌ها عاملی است که ضریب جینی را بالا می‌برد. از طرف دیگر خود این نهادها با توجه به سیاست‌هایی که در عرصه حامی پروری می‌توانند دنبال کنند به شکل دیگری می‌توانند در وضعیت توزیع درآمد تأثیر بگذارند.

صدقات تأکید کرد که این انتظام آناشیک، این سیاست یک‌بام و دو هوا، این به‌هم ریختن قواعد بازی در اقتصاد سیاسی ایران بعد از انقلاب، یکی از نکته‌های کلیدی است که اثرگذاری هر سیاستی از جمله سیاست‌های بازتوزیع درآمدی و... را به شدت کاهش می‌دهد.

او مسئله ساختاری بعدی که به وضعیت بسیار نابسامان توزیع درآمد در ایران منجر شده را بحران‌های اعلام کرد که در عرصه انباشت سرمایه در اقتصاد ایران شاهد بودیم و دربرابر آن گفت: در حقیقت از دهه ۱۳۵۰ آغاز شد و از سال ۱۳۶۸ به بعد تشدید شد. به‌رغم عواملی که در مورد قواعد بازی نامتعارف در اقتصاد ایران می‌شود، مردم، اقتصاد ایران از این منظر که مناسبت دستمزدی را در بازار کار گسترش داده و یک طبقه سرمایه‌دار شکل گرفته است مبتنی بر انباشت سرمایه حاکم بر آن است، یک اقتصاد سرمایه‌دارانه با ویژگی‌های خاص محسوب می‌شود. اما دورپیماهای انباشت سرمایه در اقتصاد ایران ویژگی‌هایی دارد که بحران‌های حاد پدید آورده و ویژگی‌هایی دارد که دائماً بر نابرابری‌های طبقاتی و درآمدی افزوده است.

پژوهشگر اقتصاد سیاسی یادآوری کرد: اولین نکته‌ای که در دورپیماهای انباشت سرمایه در اقتصاد ایران مشاهده می‌کنیم این است که اگر نقطه آغاز دورپیماهای را حرکت از سرمایه مالی و نقطه پایان را سرمایه کالایی و سرمایه تجاری بدانیم نقطه نقل اقتصاد ایران در این دو حوزه به زبان بخش‌های مولد کمتر از شده است. وقتی نقطه نقل اقتصاد در این دو حوزه متمرکز نباشد و حوزه مولد تضعیف شود در اقتصاد مشغول ساختن سود از سود هستیم. یعنی اقتصاد تبدیل می‌شود به «اقتصاد مبتنی بر حباب قیمت» اقتصادی که دانم می‌خواهد به روش‌های گوناگون با ایجاد حباب‌های قیمتی، سودهای ولو کاذب، برای فعالان اقتصادی کسب کند. ما این اقتصاد حباب قیمتی را در تمامی سال‌های بعد از انقلاب بدون استثنا شاهد بودیم. به‌عنوان مثال، در ماه‌های اخیر بعد از دوره تحریم‌ها و رکود اقتصادی شدیدی که در سال‌های اخیر دچار شده بودیم، ببینید که چه فعالیت گسترده‌ای در حوزه اجرایی و... صورت گرفت برای ایجاد حباب قیمتی در ارز و سکه،

از جمله برای این که موجی از سوداگری مالی در این حوزه‌ها ایجاد کنند. بنابراین اقتصادی شکل گرفته با نقطه نقل بخش مالی و تجاری؛ اقتصادی که حیثیت مبتنی بر ایجاد حباب‌های دائمی قیمتی و اقتصادی است مبتنی بر فرادست بودن سرمایه‌های مالی و سرمایه‌های سوداگر.

در ادامه این همایش، صدقات با توضیح اینکه ویژگی دیگری که دورپیماهای انباشت سرمایه داشته‌اند این بوده که در جریان آن، نوع استمرار و بهربرداری که از نیروی کار و از طبیعت انجام شده با محدود ساختن دستمزدها و با بهر برداری غیرمنطقی و غیر عقلانی و مفرط از منابع طبیعی، بحران‌های حاد در عرصه طبیعت، در عرصه بازتولید نیروی کار و مسائل معیشتی ایجاد کرده که باز هم بر نابرابری‌های طبقاتی افزوده است، گفت: در ادامه، وقتی که دستمزدهای واقعی پایین‌تر از دستمزدهای خدمات و خدمات ارائه‌شده در اقتصاد با مشکل و بحران ناشی از فروش ترقت کالاها و خدمات تولید شده مواجه می‌شود، یعنی به اصطلاح بحران تحقق ارزش مواج می‌شود، بحران تحقق ارزش دقیقاً در انجماد دستمزدها در سه دهه گذشته ریشه دارد.

او تأکید کرد که در ادامه ما بحران بازتولید گسترده در اقتصاد ایران مواجه می‌شویم. به این شکل که آن انجماد ارزشی که در ابتدا توضیح دادیم یعنی آن عدم انتظام نهادهای که در اقتصاد وجود دارد، به همراه این بحران‌ها و چیرگی سرمایه مالی، باعث می‌شود که بخش بزرگی از ارزش خلق‌شده از مدار اقتصاد ایران خارج و وارد مدارهای اقتصاد جهانی می‌شود. حاصل این امر از یک طرف این است که اگر فرض کنیم هیچ‌کس قرار بوده بر مبنای وعده‌های نولیبرالی در ازمدت «فروپارشی» در اقتصاد ایران رخ ندهد تا این انجماد دستمزدها را جبران کند، از طرفی این منتقل می‌شود به مدارهای اقتصاد جهانی، از سوی دیگر، در این حالت «صاحب» به مدد سلب مالکیت اهمیت هر چه پیش‌تر می‌پیدا می‌کند، چه برای سرمایه‌گذاری‌های جدید متعدد در عرصه‌های سرمایه‌گذاری، یعنی تصاحب صورت می‌گیرد، اما حتی سرمایه‌گذاری هم انجام نمی‌شود و آنچه تصاحب شده مصرف می‌شود یا عیناً منتقل می‌شود به مدارهای اقتصاد جهانی. این تصاحب سلب مالکیت هم یک ویژگی سرشت‌نشان اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی در همه چهار دهه گذشته بوده که از به اصطلاح مصادره‌ها گسترده در دهه اول انقلاب شروع شد و در سیاست‌های جدید متعدد در عرصه‌های پولی، مالی، بانکی، سیاست‌های زمین شهری و... در دهه‌های بعد دیده می‌شود.

پژوهشگر اقتصاد سیاسی، با اشاره اینکه در حوزه ساختاری با تنگناهای گفته‌شده مواجه‌ایم، گفت: دو حاصل این تنگناها یعنی انتظام آناشیک نظام نهادهای ما و بحران‌های متعدد نظام انباشت سرمایه در ایران، دو ویژگی جدید ایجاد کرده: تورم ساختاری در اقتصاد و فساد اعتبارات در اقتصاد. در سال گذشته استثنائاً یک رقمی بود و اینکه در یکی از سال‌های دهه ۶۰، در اوج جنگ هم تورم یک‌رقمی بوده، نه ناشی از درز رأیت سیاستمداران بلکه ناشی از این بود که ر کود چنان عمق و تقاضا چنان انقباضی پیدا کرده بود که تورم نمی‌توانست افزایش پیدا

کند. سال گذشته هم با توجه به انتخابات در پیش، دولت تمایل نداشت بهای بسیاری از خدمات خود را افزایش دهد. الان، دوباره به‌سرعت برگشتیم به مدار تورم دورقمی و این روند متأسفانه استمرار پیدا می‌کند.

صدقات یادآوری کرد که از طرف دیگر فساد ساختاری داریم، وقتی که در زمین بازی قواعد بازی یکسانی وجود نداشته باشد و بر مبنای «رأیت وفاداری» و «رأیت بوروکراتیک» و عده‌ای فرصت‌های فوق‌العاده سودآوری به دست بیارند، نوع فسادی که در این‌جا ایجاد می‌شود فساد ساختاری است که در تمامی بخش‌های اقتصاد دیده‌اند. به شکل فرآیندها دائماً به ابعاد آن افزوده شده و الان دستمزدها و با بهر برداری غیرمنطقی و غیر عقلانی و مفرط از منابع طبیعی، بحران‌های حاد در عرصه طبیعت، در عرصه بازتولید نیروی کار و مسائل معیشتی ایجاد کرده که باز هم بر نابرابری‌های طبقاتی افزوده است، گفت: در ادامه، وقتی که دستمزدهای واقعی پایین‌تر از دستمزدهای خدمات و خدمات ارائه‌شده در اقتصاد با مشکل و بحران ناشی از فروش ترقت کالاها و خدمات تولید شده مواجه می‌شود، یعنی به اصطلاح بحران تحقق ارزش مواج می‌شود، بحران تحقق ارزش دقیقاً در انجماد دستمزدها در سه دهه گذشته ریشه دارد.

او تأکید کرد که در ادامه ما بحران بازتولید گسترده در اقتصاد ایران مواجه می‌شویم. به این شکل که آن انجماد ارزشی که در ابتدا توضیح دادیم یعنی آن عدم انتظام نهادهای که در اقتصاد وجود دارد، به همراه این بحران‌ها و چیرگی سرمایه مالی، باعث می‌شود که بخش بزرگی از ارزش خلق‌شده از مدار اقتصاد ایران خارج و وارد مدارهای اقتصاد جهانی می‌شود. حاصل این امر از یک طرف این است که اگر فرض کنیم هیچ‌کس قرار بوده بر مبنای وعده‌های نولیبرالی در ازمدت «فروپارشی» در اقتصاد ایران رخ ندهد تا این انجماد دستمزدها را جبران کند، از طرفی این منتقل می‌شود به مدارهای اقتصاد جهانی، از سوی دیگر، در این حالت «صاحب» به مدد سلب مالکیت اهمیت هر چه پیش‌تر می‌پیدا می‌کند، چه برای سرمایه‌گذاری‌های جدید متعدد در عرصه‌های سرمایه‌گذاری، یعنی تصاحب صورت می‌گیرد، اما حتی سرمایه‌گذاری هم انجام نمی‌شود و آنچه تصاحب شده مصرف می‌شود یا عیناً منتقل می‌شود به مدارهای اقتصاد جهانی. این تصاحب سلب مالکیت هم یک ویژگی سرشت‌نشان اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی در همه چهار دهه گذشته بوده که از به اصطلاح مصادره‌ها گسترده در دهه اول انقلاب شروع شد و در سیاست‌های جدید متعدد در عرصه‌های پولی، مالی، بانکی، سیاست‌های زمین شهری و... در دهه‌های بعد دیده می‌شود.

پژوهشگر اقتصاد سیاسی، با اشاره اینکه در حوزه ساختاری با تنگناهای گفته‌شده مواجه‌ایم، گفت: دو حاصل این تنگناها یعنی انتظام آناشیک نظام نهادهای ما و بحران‌های متعدد نظام انباشت سرمایه در ایران، دو ویژگی جدید ایجاد کرده: تورم ساختاری در اقتصاد و فساد اعتبارات در اقتصاد. در سال گذشته استثنائاً یک رقمی بود و اینکه در یکی از سال‌های دهه ۶۰، در اوج جنگ هم تورم یک‌رقمی بوده، نه ناشی از درز رأیت سیاستمداران بلکه ناشی از این بود که ر کود چنان عمق و تقاضا چنان انقباضی پیدا کرده بود که تورم نمی‌توانست افزایش پیدا

کند. سال گذشته هم با توجه به انتخابات در پیش، دولت تمایل نداشت بهای بسیاری از خدمات خود را افزایش دهد. الان، دوباره به‌سرعت برگشتیم به مدار تورم دورقمی و این روند متأسفانه استمرار پیدا می‌کند.

صدقات یادآوری کرد که از طرف دیگر فساد ساختاری داریم، وقتی که در زمین بازی قواعد بازی یکسانی وجود نداشته باشد و بر مبنای «رأیت وفاداری» و «رأیت بوروکراتیک» و عده‌ای فرصت‌های فوق‌العاده سودآوری به دست بیارند، نوع فسادی که در این‌جا ایجاد می‌شود فساد ساختاری است که در تمامی بخش‌های اقتصاد دیده‌اند. به شکل فرآیندها دائماً به ابعاد آن افزوده شده و الان دستمزدها و با بهر برداری غیرمنطقی و غیر عقلانی و مفرط از منابع طبیعی، بحران‌های حاد در عرصه طبیعت، در عرصه بازتولید نیروی کار و مسائل معیشتی ایجاد کرده که باز هم بر نابرابری‌های طبقاتی افزوده است، گفت: در ادامه، وقتی که دستمزدهای واقعی پایین‌تر از دستمزدهای خدمات و خدمات ارائه‌شده در اقتصاد با مشکل و بحران ناشی از فروش ترقت کالاها و خدمات تولید شده مواجه می‌شود، یعنی به اصطلاح بحران تحقق ارزش مواج می‌شود، بحران تحقق ارزش دقیقاً در انجماد دستمزدها در سه دهه گذشته ریشه دارد.

او تأکید کرد که در ادامه ما بحران بازتولید گسترده در اقتصاد ایران مواجه می‌شویم. به این شکل که آن انجماد ارزشی که در ابتدا توضیح دادیم یعنی آن عدم انتظام نهادهای که در اقتصاد وجود دارد، به همراه این بحران‌ها و چیرگی سرمایه مالی، باعث می‌شود که بخش بزرگی از ارزش خلق‌شده از مدار اقتصاد ایران خارج و وارد مدارهای اقتصاد جهانی می‌شود. حاصل این امر از یک طرف این است که اگر فرض کنیم هیچ‌کس قرار بوده بر مبنای وعده‌های نولیبرالی در ازمدت «فروپارشی» در اقتصاد ایران رخ ندهد تا این انجماد دستمزدها را جبران کند، از طرفی این منتقل می‌شود به مدارهای اقتصاد جهانی، از سوی دیگر، در این حالت «صاحب» به مدد سلب مالکیت اهمیت هر چه پیش‌تر می‌پیدا می‌کند، چه برای سرمایه‌گذاری‌های جدید متعدد در عرصه‌های سرمایه‌گذاری، یعنی تصاحب صورت می‌گیرد، اما حتی سرمایه‌گذاری هم انجام نمی‌شود و آنچه تصاحب شده مصرف می‌شود یا عیناً منتقل می‌شود به مدارهای اقتصاد جهانی. این تصاحب سلب مالکیت هم یک ویژگی سرشت‌نشان اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی در همه چهار دهه گذشته بوده که از به اصطلاح مصادره‌ها گسترده در دهه اول انقلاب شروع شد و در سیاست‌های جدید متعدد در عرصه‌های پولی، مالی، بانکی، سیاست‌های زمین شهری و... در دهه‌های بعد دیده می‌شود.

پژوهشگر اقتصاد سیاسی، با اشاره به اینکه مجموعه سیاست‌هایی که در زمینه مالیاتی ایجاد شده همه در این راستاست، مثالی از آن، تا سال ۱۳۸۰ قانون مالیات بر سود صاعدی از ۱۵ درصد تا ۵۴ درصد حاکم بود. از این سال به بعد طبق نسخه‌های تجویزی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای به‌اصطلاح مساعد کردن فضای کسب و کار قانون مالیات بر سود به نرخ یکنواخت ۲۵ درصد تغییر کرد که در عمل منابع بخش عمومی در هزینه‌های رفاهی را محدودتر کرد.

**اینکه تورم در سال گذشته استثنائاً یک‌رقمی بود و اینکه در یکی از سال‌های دهه ۶۰، در اوج جنگ هم تورم یک‌رقمی بود، نه ناشی از درز رأیت سیاستمداران ما بلکه ناشی از این بود که رکود چنان عمق و تقاضا چنان انقباضی پیدا کرده بود که تورم نمی‌توانست افزایش پیدا کند**



وقتی که در زمین بازی قواعد بازی یکسانی وجود نداشته باشد و بر مبنای «رأیت وفاداری» و «رأیت بوروکراتیک» عده‌ای فرصت‌های فوق‌العاده سودآوری به دست بیارند، نوع فسادی که در این‌جا ایجاد می‌شود فساد ساختاری است که در تمامی بخش‌های اقتصاد دیده‌اند. به شکل فرآیندها دائماً به ابعاد آن افزوده شده است.

**نکته**

به سازمان‌های برنامه و بودجه استانی است. بدین ترتیب از ۶۶ هزار میلیارد بودجه استانی، ۴۴۸ هزار میلیارد ریال مربوط به مجموع اعتبارات سه دستگاه مزبور است. در نتیجه باقیمانده اعتبارات استانی ۲۱۲ هزار میلیارد ریال خواهد بود که نسبت به ۲۳۵ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۹۶، ۱۰ درصد کاهش یافته است. با وجود این تغییرات انجام‌شده نشان می‌دهد که نسبت به هزینه‌های استانی به درآمد‌های استانی برابر ۷۰ درصد است. بدین ترتیب ۲۰ درصد از درآمد استانی در اختیار استان‌ها نیست.

**پیش‌بینی عملکرد مصارف عمومی دولت در سال ۱۳۹۷**  
در این قسمت بر مبنای عملکرد بودجه در سال‌های اخیر پیش‌بینی عملکرد اعتبارات هزینه‌ای، دارایی‌های مالی و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۳۹۷ ارائه شده است. دولت در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ برای اعتبارات هزینه‌ای رقم ۲۰۷۴۴ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی کرده است. بیش از ۷۲ درصد اعتبارات هزینه‌ای صرف حقوق، دستمزد، مزایای کارکنان و بازنشتگان می‌شود.

به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیز افزایش خواهد یافت.

تعداد ردیف‌های متفرقه از ۳۳۷ ردیف در سال ۱۳۹۶ به ۱۳۸ ردیف در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است و ۱۹۹ ردیف حذف‌شده از جدول ۹ یا به جدول ۷ منتقل شده یا مانند بخشی از پارانه نان و خرید تضمینی گندم به تبصره (۱۴) منتقل شده و یا حذف شده است. در مجموع اعتبارات متفرقه در جدول ۹ لایحه بودجه نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۶، ۲۵۱ هزار میلیارد ریال کاهش یافته است. کل پرداختی به استان‌ها (مبتنی بر بودجه استانی) برابر با ۶۶ هزار میلیارد ریال و معادل ۱۸ درصد کل مصارف بودجه عمومی است که نسبت به سال ۱۳۹۶ از افزایش ۱۷۹ درصدی برخوردار است. علت این افزایش شدید، انتقال ردیف سه دستگاه آموزش و پرورش، بنیاد شهید و سازمان‌های برنامه و بودجه استان‌ها از جدول بودجه دستمزد و حقوق (جدول ۷) به جدول بودجه استانی (جدول ۱) است.

از مجموع ۶۶ هزار میلیارد ریال اعتبارات استانی، ۳۳۱ هزار میلیارد ریال مربوط به دستگاه آموزش و پرورش، ۱۱۴ هزار میلیارد ریال مربوط به دستگاه به بنیاد شهید و ۲۰۹ هزار میلیارد ریال مربوط



تصویب معافیت ۲۴ میلیون تومانی کارکنان دولت در بودجه سال ۹۷

**عوارض آب، برق و گاز در سال آینده تغییر نمی‌کند**

**خانه ملت: سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه از عدم تغییر در میزان پرداخت عوارض آب، برق و گاز توسط مردم در سال آینده خبر داد.**

علی‌اصغر یوسف‌نژاد در نشست خبری کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۹۷، اظهار داشت: در جلسه گذشته کمیسیون کلیات لایحه بودجه با رأی قابل ملاحظه‌ای تصویب شد و طبق آیین‌نامه داخلی بعد از آن در خصوص منابع درآمدی و همچنین هزینه‌های بحث‌هایی صورت گرفت.

او بیان اینکه روز یکشنبه، وارد بحث و بررسی تبصره‌های لایحه بودجه شدیم، گفت: اگر چند تبصره از جهت درآمدی و هزینه‌های مشابه باشند سیاست کمیسیون این است که با تشکیل کارگروه با حضور کمیسیون‌های ذی‌ربط دولت و مرکز پژوهش‌ها در خصوص این موضوعات با معمولاً از بحث‌های اصلی نیز هستند، مباحثی را داشته باشند مانند اشتغال، تولید و صندوق‌ها.

نماینده مردم ساری و میاندوآب در مجلس با اشاره به اینکه در آخرین مصوبه مقرر شد در خصوص عوارض در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ در زمینه آب و برق و گاز هیچ‌گونه افزایش قیمتی نداشته باشیم، ادامه داد: عوارض آب، برق و گاز در سال آینده برابر با قانون مصوب سال ۹۶ باقی می‌ماند. او با تأکید بر اینکه در بررسی تبصره یک در خصوص درآمد‌های دولت از محل فروش نفت و معیانات گازی بحث‌هایی صورت گرفت، عنوان کرد: درآمدهای نفتی دولت، ۱۴۵ درصد سهم شرکت ملی نفت، ۳۲ درصد صندوق توسعه ملی، ۳ درصد مناطق نفت‌خیز و گازخیز و ۵۲ درصد دیگر به دولت برمی‌گردد که با فرض قیمت هر بشکه نفت ۵۵ دلار، و قیمت هر دلار ۲۵۰۰ تومان و همچنین مبنای ۲ میلیون و ۶۰۰ بشکه از محل فروش نفت عددی را

حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان داریم. سخنگوی کمیسیون تلفیق ادامه داد: سهم دولت از درآمدهای نفتی حدود ۲۸ میلیارد دلار، شرکت ملی نفت ۷۲ میلیارد دلار، مناطق نفت‌خیز و گازخیز ۵ هزار میلیارد دلار، تومان، صندوق توسعه ملی ۱۶ میلیارد دلار است.

او گفت: در تبصره ۲ دولت مکلف شده تا بدهی‌های خود را به بخش خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی را از محل واگذاری اموال، دارایی‌ها و سهم اکثریت که متعلق به دولت است و همچنین تسهیلات وابسته به دولت از طریق جدول ماده ۱۸ پرداخت کند که حدود یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد.

یوسف‌نژاد با اشاره به اینکه در تبصره ۳ سقف تأمین منابع مالی خارجی با فاینانس برای اجرای طرح‌ها علاوه بر سهم باقی‌مانده از سال گذشته ۳ میلیارد دلار است، اضافه کرد: مصوبه دیگر این بوده که به دولت اجازه داده می‌شود برای اجرای طرح‌ها با رعایت سقف برای تسهیلات اعتباری و مالی با کمک بلاعوض تا مبلغ ۵ میلیارد دلار از مؤسسات مالی خارجی تسهیلات دریافت کند.

**سقف معافیت حقوق کارکنان ۲ میلیون تومان و سالانه ۲۴ میلیون تومان**  
یوسف نژاد ضمن اشاره به اینکه در تبصره ۶ در خصوص سقف معافیت مالیات، حقوق و دستمزد وارد بحث شدیم که تصمیماتی در خصوص آن گرفته شد، ادامه داد: سقف معافیت حقوق و مزایای ماهیانه کارکنان دولت ۲ میلیون تومان و سالانه ۲۴ میلیون تومان در نظر گرفته شد و همچنین معافیت مالیات بخش خصوصی نیز به میزان ۱۸ میلیون تومان در سال تصویب گردید که ممکن است تغییراتی به نفع کارمندان داشته باشد.

سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۹۷ با تأکید بر اینکه سقف پیشنهاد مالیاتی دولت برای سال آینده ۱۲۸ هزار میلیارد تومان است، خاطر نشان کرد: در خصوص مالیات بر خانه‌های بدون سکنه تاکنون پیشنهادی وجود ندارد، اما ممکن است در آینده پیشنهاداتی در این خصوص مطرح شود.